سر مقاله

بسم الله الرحمن الرحیم

۱. نزدیک به نیم قرن پیش جریانی در دنیا شکل گرفت که ابتدا عنوان خاصّی نداشت، اما به تدریج «فلسفه برای کودکان» (فبک)[1] نام گرفت. این جریان در حدود دو دهه پیش به کشور ما وارد شد و خیلی زود جای خود را یافت، تا آنجا که به عنوان بخشی مستقلّ در برخی از پژوهشگاه‌ها مطرح شد، کتابهایی بر مبنای آن تألیف و ترجمه شد، نشریه‌ای علمی بدان اختصاص یافت، و همچنان روی به گسترش دارد.

۲. در این جریان که هدف اصلی آن ترویج اندیشیدن در میان کودکان از سنّ کودکی است، فلسفه به معنای عناوین رایج در میان فلاسفهٔ مسلمان (مانند: وجود و ماهیت، جوهر و عَرَض، مقولات عشر و...) مورد نظر نیست، بلکه به معنای تربیت افراد بر مبنای آموزه‌هایی است، مانند: تشخیص، گردآوری اطلاعات مرتبط، واکاوی، تعمّق، ارائه، سنجش، خود انتقادی، خردورزی، آفرینندگی، انعطاف‌پذیری، شفافیت، سازمان‌دهی یافته‌ها، خود اتّکایی، کاوشگری، تعامل، و عناصری مانند آنها.

۳. در شمار دستاوردهای تربیتی «فبک»، از تحوّلاتی رفتاری یاد می‌شود، مانند: رشد اخلاقی و اندیشگی کودک، تربیت کودکان متفکر، تفکر انتقادی، آمادگی برای تعامل مؤثر اجتماعی، گسترش روحیهٔ خلاقیت، افزایش هوش هیجانی، کنترل پرخاشگری و دیگر اختلالهای تربیتی، پرورش بردباری، توسعهٔ فرهنگی، آموزش راهبردی تفکر، مهارت مثبت اندیشی، ارزش‌آموزی، بها دادن به پژوهش، فرا گرفتن روش‌های فکرورزی در عمل و انتقال

1. Philosophy for children (p4c)

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.72.2.8]

آنها به دیگران.[1]

٤. بارها گفته‌ایم و بار دیگر به یاد می‌آوریم که قرآن، در معرفی خود، «حیات‌بخشی» را مطرح می‌کند (دعاکم لما یحییکم)، نه آموزش مطالب خشک و خنثی که بار مسئولیت در پی نداشته باشد. کتاب سترگ خدا، این مستقلّ عقلی را به یاد انسان عاقل می‌آورد که: «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون؟». این پیام روشن باید به ما بفهماند که عالِمان (در هر درجه باشند، یعنی این که هر کس یک مطلب بداند، بدان عالِم است) نسبت به دیگری که نمی‌داند، نه تنها حق ندارد احساس «خود برتربینی» کند، بلکه باید به میزان علمی که اندوخته، «احساس مسئولیت» افزون‌تر از خدای خود بخواهد و برای دستیابی به آن بکوشد.

٥. این وجههٔ روشن دین، یعنی «در هم تنیدگیِ علم و عمل و ایمان و ترویج و تربیت و خودسازی و جامعه‌سازی» همان حقیقتی است که گاهی تحت الشعاع کنکاشهای شبه علمی دانشمندان قرار می‌گیرد و فراموش می‌شود؛ بدین سان که رویکرد ترویجی را ویژهٔ افرادی بدانند که توان و تاب پژوهش‌های نظری محض را ندارند، به گونه‌ای که با اندکی اغراق، پژوهشگران گاهی متأسّفانه با نگاه «عاقل اندر سفیه» به مروّجان و مبلّغان بنگرند. در این رویکرد، فروکاستِ مقولهٔ مهمّ تربیت – که یکی از اهداف اصلی پیامبران و امامان معصوم علیهم‌السلام بوده – به هدفی فرعی را شاهدیم. و بسا زیانها که از این فروکاستِ نابجا دیده‌ایم!

٦. اگر به این نکات نیک بنگریم، می‌بینیم که آن رویکرد خردپسند جهانی (فبک) با این هدف-گیری وحیانی قرآن و مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، اگر نه در تمام جزئیّات، دست کم در کلیّات، اشتراک دارند. در این سخن، هویتِ عقل محورِ دین صحیح الهی (مبتنی بر قرآن و عترت) گواه مهم این مدّعا است. بدین روی امید می‌رود که گوینده در این سخن، تحت تأثیر فضای رایج نباشد که هر پیشرفتی در دانش بشری را به دین نسبت می‌دهد، بی‌توجّه به اینکه دانش بشری

۱. بند ۲ و ۳ با استفاده از این مقاله نوشته شد: جبلی آده، پریچهر، نوریان، محمد، عضد الملکی، سودابه. مهارتها، گرایشها و روشهای تدریس تفکر انتقادی در برنامه‌های درسی. تفکر و کودک، شماره ۲۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، ص ۳۱ – ۶۲.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.72.2.8]

مجموعه‌ای از فرضیه‌های انباشتهٔ زمینی است، در حالی که مکتب وحی، بر حقایق استوار الهی استوار است.

کلامی که در باب تطابق رویکرد قرآن با رویکرد فبک گفته شد، امید می‌رود که برخاسته از این حقیقت باشد که در کلام بلند امام کاظم علیه‌السلام، حجت‌های خدا را دو گونه می‌داند: حجت باطنه یعنی عقل موهبتی الهی به انسان، و حجت ظاهره یعنی پیامبران و امامان علیهم‌السلام.

۷. از یاد نبرده‌ایم که تا کنون تلاش‌های زیادی در جای جایِ جهان اسلام صورت گرفته که قصّه‌های قرآن را به زبان و بیان و فهم کودکان نزدیک سازد؛ تلاش‌هایی که در قالب‌هایی مانند کتاب، جلسات قصّه‌خوانی، شکلهای متنوّع صوتی و تصویری (اعمّ از کلیپ و فیلم و پویا-نمایی و...) به دست مصرف کننده رسیده است. نیز، از یاد نمی‌بریم ناهمدلی‌ها و نامهربانی-هایی که دست اندر کاران این جهادهای مقدس، از این و آن می‌بینند. پیامد کارهای دشمنان دانا و دوستان نادان، دریغا که در این زمینه همسو است. بدین روی، اجر تمامی مجاهدان مخلص این میدان با خدایی باد که: «لا یضیع عنده أجر المحسنین».

۸. اما سخن در این گفتار، فراتر از بازگویی و بازنویسیِ قصص قرآن است؛ بلکه نوع خطابات قرآن را در این روی آورد، می‌توان در کانون توجّه قرار داد؛ به این هدف که گامهای اجرایی و کاربردیِ تربیت قرآنی – اهل بیتی را از همان سنین کودکی برداریم و فاصلهٔ نامبارک موجود میان ادّعای دینی فرد و جامعه مان با واقعیتِ دردآورِ فعلی را به تدریج کم کنیم.

به عبارت دیگر، هدف از این قلم‌انداز، توجّه دادن همهٔ اهل نظر به این مهمّ است؛ اعمّ از مسئولان مراکز قرآنی و حدیثی در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه، نویسندگان و شاعران و دیگر هنرمندان در حوزهٔ ادبیات و هنر کودکان، صاحب نظران و تجربه‌مندان در زمینهٔ مسائل تربیتی، اصحاب رسانه، والدین و دیگر مربّیان، و خلاصه هر کسی که اندک ارتباطی با این ضرورت فراموش شده دارد.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.72.2.8]

بدین روی، مثال‌هایی که محض نمونه در این گفتار بیان می‌شود، برای توجّه دادن به منابع مرتبط است، نه اینکه استقصای تامّ مورد نظر باشد، که چنین استقصایی به زمانی دیگر و مجالی گسترده‌تر و فضایی کارشناسانه‌تر نیاز دارد.

۹. اینک نمونه‌هایی از شیوه‌ها و گونه‌های سخن گفتن قرآن با مردم یادآوری می‌شود که با اهداف و دستاوردهای فبک (یادشده در بند ۲ و ۳ این یادداشت) سازگار است، بیان می‌شود.[۱]

* شیوهٔ پرسشی: قرآن بارها حقایقی را که می‌توان به شکل خبری توضیح داد، به شکل پرسشی بیان می‌دارد تا درون انسان را بر انگیزد و او را به سوی اهداف برتر سوق دهد. پرسش‌هایی مانند أفلا تتفکرون؟، أفلا تعقلون؟ فأین تذهبون؟ و... الگوهایی مناسب در جهت تحریک و بسط تفکر هستند. نیز پرسش‌هایی مانند «مالکم کیف تحکمون؟» را در مقولهٔ درخواست داوری و استدلال، می‌توان طرح کرد.

* شیوهٔ بیان تمثیلی: انواع مثلهای قرآن که معمولاً تا کنون در فضای پژوهش‌های ادبی مرور می‌شده، اینک باید در فضای تربیتی برای بهسازیِ تربیت کودکان مطرح شود.

* شیوهٔ تشبیه: قرآن در بیان شباهت بعضی از آموزه‌ها با برخی پدیده‌های ملموس و محسوس، بدون اینکه وجه شبه را بازگوید، تفکر مخاطب را بر می‌انگیزد تا خود بیندیشد، آنگاه به مدد حکمت‌های اهل بیت علیهم‌السلام وجه شبه را بیابد و بدین سان جنبه‌های تربیتی آیات را استوار بدارد.

* به این شیوه‌ها می‌توان افزود: سیر و سفر در زمین و نشانه‌های خلقت و تاریخ، بیم و امید، جدال احسن، نکات درون داستانها، توجه دادن به آیات خلقت در خلال سوگندها، حروف مقطعه، بیان موارد خرق عادت و...

۱۰. در پژوهشی دیگر[۲]، روایات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله در بارهٔ امیرالمؤمنین علیه‌السلام با دسته‌بندی

۱. این بند با عنایت به برخی مقالات نوشته شده است؛ به ویژه: مروجی، مهدی. رشد آموزش قرآن، دوره ۲۹، ۱۳۸۹، ص ۴۴-۴۸؛ کشانی، مهدی و رستمی نسب، عباسعلی، الگوهای تحریک و بسط تفکر در حلقهٔ کند و کاوهای قرآنی، تفکر و کودک، شماره ۱۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، ص ۲۵ - ۴۵.

۲. سبزواری، سید حسن. امامت علوی در سیرهٔ نبوی. قم: بنیاد فرهنگی امامت، ۱۴۰۰، ۴۳۲ صفحه.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.72.2.8]

ویژه‌ای ارائه شده که با مبانی فبک سازگار است، گرچه شاید محقق به این نکته توجّه نداشته است.

در این پژوهش، روایات یادشده به حدود سی نوع تقسیم شده است. محقق، ابتدا تمام این روایات را که در بیان فضیلت امیر مؤمنان است، در دو گروه اصلی جای داده است: گونه-شناسی گفتار نبوی و گونه‌شناسی رفتار نبوی.

محقق بخش اول یعنی گونه‌های گفتاری را به سه گروه اصلی تقسیم کرده است: محتوایی، اسلوب گفتاری، زبانی و ارتباطی. آنگاه ذیل این سه عنوان کلّی، انواع مختلف می‌آورد: تنصصیصی، تبیینی (با تقسیمات فرعی آن)، تشبیهی، پرسشی، تأکیدی، استفساری، تبشیری، اِنذاری و تحذیر، تشویق و ترغیب، توبیخ، امر و دستور، تکریم زبانی، تعلیمی، تفدیه، استنصاری.

وی در بخش دوم، گونه‌های رفتاری را در چند گروه می‌آورد: استخلاف، سفارت، تفویض، نجوا، اشاره، بهره‌برداری از موقعیت های مکانی و زمانی، تکریم فعلی، شادمانی و تبسّم، حزن و بُکا، همدردی، احتجاج.

ذیل هر عنوان، نمونه‌هایی از نصوص یاد شده است. این داده‌ها به ما کمک می‌کند که برای عمل به حدیث شریف نبوی که فرمود: «أدّبوا أولادکم علی حبّ علی بن أبی طالب»، برنامه‌ای عملی و کاربردی طراحی کنیم. خوشبختانه ظرفیت چنین برنامهٔ کاربردی در متون معتبر وحیانی موجود است و فقط باید این ظرفیت را بازیابیم و فعّال کنیم.

۱۱. مشابه آنچه را که در باب کتاب سترگ الهی، قرآن و نیز در بارهٔ نخستین امام معصوم، سید الأوصیاء، امام امیرالمؤمنین علیه السلام گفته شد، در باب آخرین حجت خدا، حضرت بقیة الله خاتم الأوصیاء عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز می‌توان گفت.

باور قلبی و عملی به آموزهٔ مهدویت – که نشانگر فرجام نیکوی انسان است و بازآفرینیِ جان و جهان در گرو آن است – در سپهر آموزه‌های نبوی آن چنان اهمیتی دارد که هزاران حدیث

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.72.2.8]

معتبر، از فریقین بدان اختصاص یافته است. این احادیث را، محدثان متقدم و متأخّر در مجموعه‌هایی گرد آورده و به دست ما رسانده‌اند؛ آنان غالباً از حدّ نقل حدیث فراتر رفته و با توضیحات مناسب و گویا، زنده بودن آرمان مهدویت و نقش آفرینیِ آن در زندگی را نشان داده‌اند.

مروری بر گنجینه‌هایی مانند کافی، کمال الدین، غیبت نعمانی و غیبت طوسی در میان کتابهای متقدّم؛ و منتخب الاثر، مجلدات مربوط بحار الانوار (مجلد ۵۱ تا ۵۳)، العبقری الحسان و معجم أحادیث الامام المهدی در سده‌های اخیر، صحت مدّعای ما را می‌نمایاند.

۱۲. در میان منابع مهدوی، کتاب مکیال المکارم، جایگاهی ویژه دارد؛ چرا که در آن، درایت به خدمت روایت آمده است. مؤلف محقق و باورمند این گنجینهٔ نفیس، فقه الحدیث را با نقل اخبار درآمیخته و نتایج کاربردی برای بهینه‌سازی زندگی و جهت دادن آن به سمت و سوی زیست منتظرانه را از متون آیات و احادیث (حتی متونی که مستقیماً در بارهٔ مهدویت سخن نرانده است) استخراج می‌کند. تقسیم‌بندیِ ابتکاریِ مطالب این کتاب، با اینکه حدود صد سال از زمان تألیف آن گذشته، هنوز تازه و جذّاب می‌نماید. بدین روی جای آن دارد که آموزهٔ مهدویت، به کمک این گونه منابع معتبر، در قامت عقیده‌ای زندگی ساز و تحوّل آفرین مطرح شود.

۱۳. پیام اصلی این قلم انداز آن است که: ما اکنون به خوبی شاهدیم که انواع منابع ادبی‌ای که برگرفته از فرهنگ شرقی و غربی است، با نگاهی مبتنی بر شاخص‌های «فلسفه برای کودکان (فبک)» بازخوانی شده است. بدین سان، درونمایه‌هایی که دیروز تولید شده‌اند، امروز به گونه‌ای مرور می‌شوند که چراغی روشن برای فردای آدمیان باشد. حقّ مطلب همین است که در فضایی که امواج فضای مجازی، خواسته یا ناخواسته، پیامدهایی از جمله هویت شکنی دارند، باید دیوارهای هویت را استوار بداریم. و این کار، با بهره‌گیری از متون کهن در کنار فنون و مهارت‌های امروزینِ رایج، کاملاً قابل اجرا است.

حال، چرا از متون دینی، با وجود ظرفیت بالایی که در این راستا دارند، در این مسیر روشن

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.72.2.8]

انسانی، چنانکه باید و شاید، استفاده نمی‌شود؛ این پرسشی است فراروی انسانهای دردمند و دلسوخته، که باید بدان پاسخ دهند؛ از یک سوی شاخص‌ها و مهارتهای رایج مانند فبک و از سوی دیگر، ظرفیت نهفتهٔ در متون خردمدارِ وحیانی (قرآن و کلام اهل بیت) را بازشناسند، آنگاه با نگاه میان رشته‌ای و کارشناسانه به کشف راههای مفید و اجرایی از آنها اقدام کنند و گامهایی در جهت تحول فرد و جامعه، از امروزِ موجود تا فردایِ موعود بردارند.

ما دیده به آن فردای روشن داریم، همان آیندهٔ درخشان که ویژگی‌های آن را راویان راست گفتار، از کلام خدای بزرگ به ما نوید داده‌اند؛ به ویژه در سرود بامدادی دعای عهد، با این حسن ختام که عرضه می‌داریم:

«اللهم اکشف هذه الغمّة عن هذه الأمّة بحضوره و عجّل لنا ظهوره؛ إنّهم یرونه بعیداً و نراه قریباً؛ برحمتک یا أرحم الرّاحمین».

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1400.18.72.2.8]